

عنوان: بررسی و مقایسه ارتباط نگرش به سالمندی و ویژگی های شخصیت در پسران و مردان ۷ تا ۸۰ سال
ساکن بندرعباس^۱ بومی
فاطمه شیبانی تدرجی، هیات علمی دانشگاه آزاد بندرعباس^۲

مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است(عنوان طرح بررسی تحولی نگرش به سالمندی در افراد بومی و غیر بومی ۷ تا ۸۰ سال بندرعباس):^۱
^۲ Fatemeh.sheibani@yahoo.com

مقدمه و بیان مساله

سالمندی پدیده‌ای جسمی، روانی و اجتماعی است. ارتقای اهداف مداخله‌ای آموزشی در بهبود نگرش مثبت به افراد سالمند و سالمندی از اهمیت خاصی برخوردار است. این اهمیت فزاینده در مطالعه نگرش به سالمندی تا حدودی ناشی از یافته‌هایی است که نشان می‌دهد نوع نگرش افراد در سنین قبل از شروع سالمندی در کیفیت زندگی، سلامت جسمانی، سلامت روان، شناختی و نوع سازگاری اجتماعی با تغییرات عمده در این مرحله از زندگی مؤثر است. (پلیزی و میلیکین، ۲۰۰۲؛ فاندربورک و همکاران، ۲۰۰۶؛ هریس و دلینگر، ۲۰۰۱؛ لو، کاو و سیه، ۲۰۱۰؛ سو و همکاران، ۲۰۱۲؛ ردین و تینکو، ۱۹۹۲؛ لو، ۲۰۰۵؛ لای و تانگ، ۲۰۱۲)

در همین راستا، روان‌شناسی مثبت نگر، که اساساً به مطالعه توان‌مندی‌های انسان می‌پردازد، به شناسایی عوامل افزایش‌دهنده سلامت روانی توجه دارد. برخی از توان‌مندی‌های انسان که به منش و سرشت او مربوط می‌شود جنبه روانی داشته و به افراد کمک می‌کند تا حوادث بالقوه را کم‌تر تهدید کننده تصور کنند و یا واکنش‌های خود را نسبت به این گونه حوادث کنترل کنند. پژوهش‌های میدانی و نیز پژوهش‌های آزمایشگاهی نشان داده‌اند که توان‌مندی‌های روانی انسان با کاهش علائم جسمی و روانی استرس، همبستگی مثبت داشته و همچنین این توان‌مندی‌ها تأثیر مثبتی بر سلامتی روانی دارد. به طور کلی روان‌شناسی مثبت به عنوان رویکردی جدید در روان‌شناسی، به عنوان متمم رویکردهای قبلی به مطالعه هیجانات و ویژگی‌های مثبت در انسان‌ها می‌پردازد و بیشتر متوجه نقاط قوت و استعدادهای ذاتی انسان‌ها می‌باشد. هدف دیگر روان‌شناسی مثبت شناسایی و تعریف مفاهیمی است که به تأمین سلامتی و شادکامی افراد و بهره‌مند شدن آن‌ها از یک زندگی سالم کمک کند. یکی از این مفاهیم، مفهوم کیفیت زندگی است که مثبت‌اندیشی می‌تواند باعث ارتقاء آن گردد. حال نگرش‌های افراد و اجتماع در زمینه روانشناسی مثبت نگر امری برجسته و ویژه است (نگرش با سه سطح شناخت، عواطف و رفتار)

حال مطالعه نگرش به سالمندی به عنوان پاسخ‌های رفتاری، شناختی، عاطفی و هیجانی به پدیده سالمندی با پژوهش‌های باتلر (۱۹۶۹) آغاز شده و در نیم قرن اخیر مورد توجه روان‌شناسان تحولی، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان قرار گرفته است. برخی پژوهش‌ها به مطالعه ساختار مفهومی، برخی به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این نوع نگرش و برخی دیگر نیز به تبیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی آن پرداخته‌اند (پاور، ۱۹۹۲؛ کیت و همکاران، ۲۰۰۵؛ هس، ۲۰۰۶؛ رشید، انگ کیت انگ و الانر، ۲۰۱۲؛ بار-تور، ساوایا و پراگر، ۲۰۰۱؛ لو، کاو و سیه، ۲۰۱۰؛ لای و تانگ، ۲۰۱۲؛ آنورث و همکاران، ۲۰۰۱؛ دانکان و شالر، ۲۰۰۹؛ لاو، ملزاهم و شوپفلاکر، ۲۰۱۳)

از آنجا که سالمندی در یک بافت اجتماعی رخ می‌دهد و از خانواده تا جامعه را در برمی‌گیرد. این بافت شامل نگرش‌ها، تفکرات قالبی و هنجارهای وابسته به سن می‌شود که رفتار اختصاصی برای هر سن را رقم می‌زند. افراد سالمند علاوه بر تصویری که از خود دارند از تصور و دیدگاه سایر افراد نسبت به خود نیز آگاهی دارند (سیجوید، ۲۰۰۹)

ادبیات پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که نگرش به سالمندی را می‌توان در دو سطح فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. نگرش خود فرد سالمند نسبت به رسیدن به پیری که با عنوان تصویر خود معرفی می‌شود گویای دانش فرد از سن زمانی مربوط به پیری است که در دیدگاه‌های سنتی تر با عواملی چون سن تقویمی، سلامتی، بازنشستگی، زوال ذهنی/ جسمانی و مرگ همسر همراه است. در مقابل، ادراک از سالمندی بر پایه نگرش‌های اجتماعی نیز تفسیر می‌شود که با تفکرات قالبی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این قالب‌ها و نگرش‌ها در صورت منفی بودن منجر به پیش‌داوری منفی نسبت به سالمندی و تبعیض می‌شود (باتلر، ۱۹۹۹). پالمر (۲۰۰۳) این پیش‌داوری را در قالب پذیرش، انکار، پرهیز و اصلاح توضیح می‌دهد.